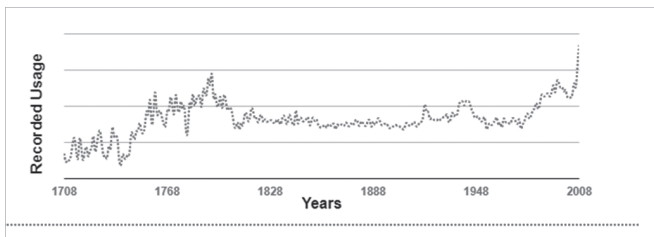


در سده‌های میانه فیلسوفان و متکلمان بر این باور بودند که مبادله کالا باید با قیمت عادلانه‌ای باشد که براساس سنت یا ارزش ذاتی اشیا تعیین می‌شود، ولی اقتصاددانان امروزی می‌گویند که در جوامع مبتنی بر بازار، قیمت‌ها با عرضه و تقاضا تعیین می‌شود و چیزی به نام «قیمت عادلانه» وجود ندارد.

امروزه رفتار عادلانه یک بازیکن فوتبال را fairplay می‌نامند؛ نخستین کاربرد این واژه در این زمینه در سال ۱۸۵۶ میلادی بود. دیگر معنای ضبط شده برای این واژه، به بازار معین در یک شهر اشاره دارد که در آن، موقعیت زمانی مشخصی برای خرید و فروش و تجارت معین شده است؛ لذا گاهی به نمایشگاه‌هایی که جنبه تجاری داشته باشند نیز «fair» اطلاق می‌شود (ر.ک: etymonline، ذیل عنوان fair). یکی دیگر از معانی این واژه که در قرن ۱۴ به این سو به کار گرفته شده، اشاره به راستا و امتداد است؛ لذا به مسیر مستقیم نیز «fair» گفته می‌شود. مساوی بودن اضلاع و موازی بودن راستای مربع موجب شده است که به این شکل هندسی نیز «fair» اطلاق شود. ملاحظه نمودار روند کاربرد این واژه نشان می‌دهد که از آغاز قرن ۱۹ به این سو شاهد رشد مراجعه به واژه «fair» بوده‌ایم. این توجه از آخرین دهه‌های قرن بیستم به این طرف رشد چشمگیری داشته است. محتمل است که بگوئیم بخش مهمی از این ارجاعات ناشی از رونق یافتن آثار جان رالز، به ویژه کتاب عدالت به مثابه انصاف بوده است. واژه justice دایره گسترده تری از معنای عدالت را با خود به همراه دارد، اما اگر به وجه ظهور عدالت و روشنایی آشکار و چشم‌نواز آن توجه کنیم، یا به عبارت دیگر، از وجه ذهنی و نظری عدالت به وجه پراکتیکال و تعیین آن نظر بیندازیم، واژه fairness منشعب می‌شود و بر این وجه از عدالت، دلالت می‌کند.



عدالت زیبا، متوازن و چشم‌نواز است؛ عدالت یک وجه درخشان و توأم با شادی و خوشبختی را به انسان می‌بخشد؛ این وجوه از عدالت را در زبان انگلیسی می‌توان با fairness منتقل کرد.

«equality» (برابری)

سومین واژه مستعمل در نظریه‌های عدالت، «equality» است که به برابری و مساوات ترجمه شده است. از نظر فیلولوژیک این واژه را باید بدیع‌ترین یافته بشر در باب عدالت دانست؛ چراکه به جای تمرکز بر وجه توصیفی و